

سرشناسه :	غفاری، محسن،، ۱۳۴۰ -، اقتباس کننده
عنوان و نام پدیدآور :	۱۲ بند/ به روایت محسن غفاری.
مشخصات نشر :	کاشان: خاطرات قلم، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری :	۳۱۲ ص.
شابک :	۹۷۸-۹۶۴-۸۱۳۷-۳۹-۲
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
عنوان گسترده :	دوازده بند
موضوع :	داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
شناسه افزوده :	محشتم، علی بن احمد، - ۹۹۶ق. دوازده بند
وده بندی کنگره :	۱۳۸۹ ۷۲۴۵۹/ج PIR۸۱۵۲
رده بندی دیویی :	۸۷۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی :	۲۰۰۰۳۶۱

که عنوان : ۱۲ بند

که مؤلف : محسن غفاری

که ناشر : انتشارات خاطرات قلم

که نوبت چاپ : چاپ اول / ۱۳۹۰

که طرح جلد : انتشارات خاطرات قلم

که صفحه آرای: ن - ملکوتی شاد

که قیمت : ۵۰۰۰ تومان

که چاپ و صحافی : دفتر تبلیغات اسلامی

که شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۳۷-۳۹-۲

حق چاپ محفوظ است

۱۲ بند

به روایت محسن غفاری

انتشارات خاطرات قلم

۱۳۹۰

پیش درآمد

فیلم خارجی آن قدر نمی بینم که قابل توجه باشد؛ به دلایلی که عرض می کنم. مهمترین دلیل آن به احساسم بر می گردد. فضاها، دیالوگها و فرهنگ حاکم بر کلیت فیلم و گاهی هم شیوه ی روایت احساسم را می آزارد و خراش می دهد؛ به حدی که حوصله ام را سر می برد. تاکنون تعداد اندکی از فیلم های خارجی را توانستم ببینم به همین دلیل باورم این است که دیدن این مجموعه ی فیلم های خارجی هر دراز مدتی می تواند بر دیدگاه ما تاثیر بگذارد، حتی آن را دگرگون کند و ما را از درون دچار تناقضی سخت با محیط زندگی مان بنماید. البته طبیعی است که این مهمترین کارکرد سینما هم باشد؛ فرهنگ سازی و تبدیل فرهنگها.

سالها که گذشت و دست و بالم از تجربه ی زندگی پرتر شد تصمیم گرفتم فیلم های خارجی بیشتر ببینم و آنها که به احساسم نزدیکتر است را در اولویت قرار دهم.

آموزش و تجربه مزید بر علت بود که بدین وسیله میسر می شد. سینمای ایتالیا، فرانسه، یونان، لهستان و روسیه را به درونیات خودم نزدیکتر یافته بودم. فیلم های تنوانجلو پولوس، فلینی، آنتونیونی، برسون، تروفو و کیشلوفسکی را دیدم، بعضی را چندین بار. از خصوصیات این سینماگران بزرگ و فیلم های آنان سخن زیاد گفته شده و خوب هم

گفته شده من می گذرم اما آنچه مراد من است توجه به فیلم های کریستف کشیلوفسکی است. خصوصاً مجموعه ی ده فرمان که داستان کوتاه درباره کشتن و داستان کوتاه درباره عشق تاثیرگذارترین فرمان ها بودند. ده فرمان اثر برجسته ای است که کشیلوفسکی در مقدمه فیلم نامه های آن به تفصیل از آن سخن گفته است. با دیدن فیلم ها و خواندن چندباره ی فیلم نامه های آن تصمیم گرفتم به قیاس ده فرمان بدنبال مضمونی بگردم که با باورها و فرهنگ دینی و ایرانی ما ارتباطی تنگاتنگ داشته باشد. باری این دغدغه با من بود، تا اینکه روزی در خانه ی کتاب شهر به کتابی کوچک درباره زندگی محتشم کاشانی برخورددم. کتاب را چندین بار خواندم. دوازده بند عاشورائی محتشم همان چیزی بود که من بدنبالش می گشتم. دوازده روایت با مضمونی مشترک که همه در یک مکان اتفاق می افتد. این فکر خام روزها با من بود ماهها گذشت و آنقدر با این فکر کلنجار رفتم تا بعد از قریب به بیست ماه شد این که پیش روی شماست. راجع به کلیت کار و نوع روایت ها و بقیه ی مسائل توضیحی نمی دهم قضاوت را می گذارم به عهده ی خوانندگان اما یادآوری می کنم همانطور که کشیلوفسکی در ابتدای ده فرمان گفته است : من ده فرمان را نوشته ام زیرا ده فرمان وجود دارد. اکنون به نظر من دوازده بند هم وجود دارد.

محسن غفاری